

پیش بینی عملکرد اجرایی دختران دبستانی بر اساس ویژگی های سیستمی خانواده (مثلث سازی و مرزها) و مشارکت پدران

حبیبه مرادی*، زهرا یوسفی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۱۵

تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۹/۲۹

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی عملکرد اجرایی دختران دبستانی براساس ویژگی‌های سیستمی خانواده (مثلث‌سازی و مرزها) و مشارکت پدران در شهر فلاورجان انجام شد پژوهش از نوع توصیفی و همبستگی بود. جامعه آماری کلیه دختران دبستانی شهر فلاورجان و مادرانشان بود. نمونه آماری شامل ۱۲۰ دختر دبستانی بود که به شکل تصادفی انتخاب شدند و مادران آن‌ها کلیه پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. ابزارهای پژوهش عبارت بود از عملکرد اجرایی (جیوا و همکاران، ۲۰۰۰)، مقیاس‌های سیستمی خانواده (یوسفی و بهرامی، ۱۳۹۶)، مقیاس مشارکت مردان در کار خانه محقق ساخته داده‌های پژوهش در دو سطح توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام و ورود) تحلیل شدند کلیه محاسبات به کمک نرم‌افزار SPSS انجام شد. نتایج نشان دادند که بین مثلث‌سازی و مشارکت مردان با عملکرد اجرایی رابطه معنادار وجود دارد و هر دو توان پیش‌بینی عملکرد اجرایی دختران دبستانی را دارد با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت تغییرات درمثلث‌سازی و مشارکت مردان در کارخانه با تغییرات عملکرد اجرایی دختران دبستانی همراه است.

واژگان کلیدی: عملکرد اجرایی، مثلث‌سازی، مرزها، مشارکت پدر و مادر.

مقدمه

در دهه اخیر توجه فزاینده‌ای به حوزه عملکرد اجرایی در کودکان شده است. از دیدگاه عصب‌شناختی این اصطلاح مرتبط با شبکه گسترده‌ای از کارکردهای قشر پیشانی و شامل تعداد زیادی از فرایندهای شناختی و فراشناختی، همچون خودتنظیمی رفتار و رشد مهارت‌های شناختی و اجتماعی است که در طول دوره تحول کودک شکل می‌گیرند (یاماموتو و ایماهی-ماتسومورا^۱، ۲۰۱۹). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که گسترش و رشد عملکردهای اجرایی^۲ همانند سایر توانمندی‌ها در طول دوره کودکی تحول می‌یابند (اسکیبی، مونتاری، بائلز و ماریسون^۳، ۲۰۱۹). کارکردهای اجرایی اصطلاحی است کلی که کل فرایندهای شناختی پیچیده را که در تمام تکالیف هدف‌مدار دشوار و یا جدید ضروری هستند، در خود جای می‌دهد این عملکردها مهارت‌هایی هستند که به شخص کمک می‌کنند تا به جنبه‌های مهم تکلیف توجه و برای به پایان رساندن آن برنامه‌ریزی کنند. بسیاری از پژوهشگران به این نکته اشاره دارند که رشدنیافتگی عملکرد اجرایی با اختلال‌های تحولی دوران کودکی، ارتباط بسیار نزدیکی دارند (ویو، لیانگ، لو و وانگ^۴، ۲۰۱۷). مدیریت تکالیف با عملکرد اجرایی ارتباط نزدیک دارد و این امر در دوره دبستان برای اولین بار شکل جدی به خود می‌گیرد. در واقع دختران دبستانی با وظایف و تکالیف مختلفی از سوی مدرسه و معلمان روبه‌رو می‌شوند روبه‌رویی آنان با این شرایط نیاز به توانایی‌های خاص شناختی دارد که علاوه بر یادگیری مطالب درسی بتوانند تکالیف و تمرین‌های مرتبط با یادگیری را مدیریت کنند و خودشان را با امور مدرسه سازگار نمایند؛ به نظر می‌رسد از این‌رو عملکرد اجرایی در این میان نقش مهمی ایفا می‌کند.

مؤلفه‌های عملکردهای اجرایی شامل برنامه‌ریزی^۵، مهارت‌های سازمان‌دهی، توجه انتخابی، کنترل و بازداری^۶ و دریافت و نگهداری اطلاعات شناختی به‌طور مطلوب است (پن، سایر، مکدوناق و گانسلر^۷، ۲۰۱۸). میاک و همکاران^۸ (۲۰۱۴) معتقدند که عملکردها جدا از یکدیگر، اما دارای وجه اشتراک زیربنایی (بازداری) هستند. عملکردهای اجرایی و به‌طور

1. Zelazo
2. executive function
3. Skibbe, Montroy, Bowles, & Morrison
4. Wu, Liang, Lu & Wang
5. planning
6. inhibition
7. Pan, Sawyer, McDonough, Slotpole, & Gansler
8. Miyake

خاص مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن می‌تواند تا حدودی پیشرفت در مهارت‌های تحصیلی افراد را پیش‌بینی کند (بست، میلر و ناگریلی^۱، ۲۰۱۱) از سوی دیگر با توجه به اینکه کودکان دبستانی به شدت متأثر از خانواده و والدین خویش هستند بنابراین همچنان خانواده اثر پررنگی در حالات گوناگون آنان دارد در همین راستا از جمله موضوعات مهم در خانواده، متغیرهای سیستمی خانواده یعنی مثلث‌سازی، شیوه‌های کنترل و مرزها^۲ در محیط خانواده است.

منظور از مثلث‌سازی^۳ آن است که در زمان تنش بین دو نفر، شخص ثالثی (داوطلبانه یا در پی دعوت او) وارد ماجرا شود تا تعاملی سه نفری به نفع یکی از اعضا شکل گیرد. مثلث‌سازی در مواردی انجام می‌شود که روابط فرد با دیگران توأم با تنش باشد. بعضی مثلث‌ها سالم‌اند و بعضی ناسالم. مثلث ناسالم شیوه‌ی مکرر برخورد با اضطراب است که در آن صورت، تنش بین دو شخص به شخص یا شیئی دیگر فزاینده می‌شود. کر و بوئن^۴ (۱۹۸۸) در مورد نتایج محتمل مثلث‌سازی چهار حالت را ارائه می‌دهند: (۱) بر اثر اضافه شدن شخص ثالث ممکن است نظام ثابت دچار عدم تعادل گردد؛ (۲) امکان دارد یک نظام دو نفره‌ی باثبات بر اثر حذف شخص ثالث دچار ناستواری شود؛ (۳) نظام دونفره‌ی بی‌ثبات به واسطه اضافه شدن شخص ثالث به ثبات برسد؛ (۴) نظام دونفره‌ی بی‌ثبات بر اثر حذف شخص ثالث به ثبات برسد. گلایه کردن از همسر نزد یک دوست، گفت‌وگوی همکارانه درباره‌ی نواقص رئیس و کمک گرفتن فرزندان برای حل مشکل با هم‌شیران، نمونه‌هایی از مثلث‌سازی است (بهزادی، ۱۳۸۸). مثلث‌سازی ریشه در مرزهای و مرزبندی^۵ نابسامان خانوادگی دارد (مینوچین^۶، ۱۹۷۴).

مرزبندی سیستم به این معنی است که چه کسی می‌تواند در تعاملات شرکت کند و چگونه که البته این خود قواعدی دارد. خانواده از لحاظ میزان انعطاف‌پذیری و نفوذ مرزها سه نوع است: (۱) خانواده‌های با مرزهای بسته و نفوذناپذیر^۷، (۲) خانواده‌های با مرزهای مبهم، گنگ^۸ و به میزان زیادی نامشخص و نامتمایز^۹، (۳) خانواده‌های به‌اندازه کافی انعطاف

-
1. Best, Miller & Naglieri
 2. triangulation, control method, boundary
 3. triangulation
 4. Kerr & Bowen
 5. boundaries
 6. Minuchin
 7. closed and impenetrable boundaries
 8. unclear, dumb boundaries
 9. undifferentiated

پذیر با مرزهای روشن و کارکرد مناسب^۱. در خانواده‌های با مرزهای بسته و انعطاف‌ناپذیر دنیای والدین و فرزندان به صورت سلسله مراتب نسلی کاملاً از هم جدا و متمایز است. هیچ عضوی از زیرسیستم‌ها قادر و مایل به ورود به مراتب دیگر نیست. قواعد خشک و غیرقابل انعطاف است. خانواده‌هایی که مرزهای مبهم، گنگ و نامشخص دارند باعث می‌شوند که اعضا مزاحم یکدیگر شوند. در این خانواده‌ها مسائل خصوصی افراد محفوظ نیست. در این صورت، فرزندان همیشه با والدین در تماس‌اند و پیرامون والدین شلوغ است و حیطةی خصوصی والدین حفظ نمی‌شود. به علاوه، احتمال دارد که فرزندان با والدین درگیر شوند. در یک خانواده با کارکرد مناسب مرزها مشخص است. اعضا ضمن احساس فردیت، احساس تعلق به گروه هم دارند. هر عضو خانواده فردیت خود را ضمن تعلق به گروه حفظ می‌کند. با توجه به سه نوع خانواده از لحاظ نفوذپذیری مرزها، می‌توان گفت که اکثر خانواده‌ها بین دو نوع خانواده‌ی از هم گسیخته (مرزهای بسته و بدون انعطاف) و درهم‌تنیده (مرزهای مبهم) یا به طور هم‌زمان در حالتی که ترکیبی از ویژگی‌های این دو نوع خانواده است، قرار دارند (حسینی، ۱۳۹۰).

گرچه مشخص شده که مثلث سازی، نوع مرزبندی و شیوه‌های کنترل نقش مؤثری در دوام و یا فروپاشی خانواده‌دارند اما نمی‌توان نقش درک انصاف از سوی زنان در خصوص مشارکت مردان در کار منزل را نادیده گرفت. فرض بر این است که افراد به تعادل پیامدهای مثبت و منفی در رابطه تمایل دارند. به این تعادل به اصطلاح انصاف گفته می‌شود. انصاف یک عامل مهم در روابط سالم است و اهمیت آن در ازدواج به اندازه‌ای است که در سازگاری زناشویی و تقویت احساس صمیمیت و کاهش خیانت زناشویی اثرگذار است (رحیمی، فاتحی‌زاده و یوسفی، ۲۰۱۴). زنان و مردانی که روابط زناشویی را منصفانه تصور می‌کنند در مقایسه با گروهی که روابط خود را نامنصفانه می‌دانند، از میزان شادی و خشنودی و رضایت بیشتری برخوردارند (فینی، پترسون و نولر^۲، ۲۰۰۵). احساس انصاف در انجام امور منزل به تعادل در ارتباط؛ بین آنچه فرد مستحق دریافت آن از رابطه است و آنچه او موظف است برای حفظ رابطه در قبال دیگری انجام دهد، اشاره دارد. بوزومنی - نگی (۲۰۱۳) نظریه انصاف در روابط زناشویی را معرفی کرد. وی معتقد است زمانی که افراد در روابط خودبین تکالیف و حقوق، تعادل را احساس کنند، حس درونی انصاف باعث احساس خشنودی و رضایت آن‌ها می‌شود. هنگامی که این تعادل برای مدتی ادامه پیدا کند، افراد در

1. clear boundaries & proper functioning
2. Feeney, Peterson & Noller

آن رابطه احساس اعتماد می‌کنند. احساس اعتماد باعث می‌شود تا افراد به انجام وظیفه‌ی خود در قبال دیگری ادامه دهند. زمانی که عدم تعادل یا بی‌عدالتی در تراز پرداخت از تکالیف و حقوق وجود داشته باشد، اغلب اختلال در عملکرد به وجود می‌آید (بوزورمنی-نگی، ۲۰۱۳).

در ادراک انصاف، تقسیم‌کار منزل^۱ نقش مهمی دارد. همچنین اکثر مطالعات مربوط به تقسیم‌کار منزل بیانگر این است که عادلانه پنداشتن مناسبات کار منزل از سوی زنان با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد (فریسکو و ویلیامز^۲، ۲۰۰۳). نتایج پژوهش قبادی و همکاران (۱۳۹۰) نیز نشان داد بین تقسیم‌کار منزل و رضایت زناشویی رابطه ضعیف، اما میان عدالت ادراک شده از کار منزل و رضایت زناشویی رابطه قوی وجود دارد. به هر ترتیب مثلث‌سازی، مرزهای خانوادگی، شیوه‌های کنترل مورد استفاده در بافت خانواده و ادراک زن از مشارکت مرد در کار منزل، جوی را شکل می‌دهند که رشد فرزندان در آن رخ می‌دهد و متغیرهای روان‌شناختی از جمله عملکرد اجرایی فرزندان در آن شکل می‌گیرد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت خانواده‌ای که سیستم خانواده از انسجام برخوردار است و زوجین در مدیریت امور خانواده با یکدیگر همکاری و مشارکت دارند در شکل‌دهی به تربیت مطلوب در فرزندان خویش در ابعاد مختلف رشد آنان، توفیق بیشتری حاصل می‌کنند (یوسفی، ۲۰۱۲) در این میان نقش مادر در تربیت فرزندان بی‌بدیل است (یوسفی و احمدی‌مهر، ۱۳۹۴) بنابراین روشن‌سازی نقش ادراکات مادرانه از رویدادهای خانوادگی در رابطه با عملکرد اجرایی کودکان نیز می‌تواند حائز اهمیت باشد.

تاکنون پژوهش‌های گوناگونی به مطالعه‌ی آزمایشی یا غیرآزمایشی ارتباط حالات مادر با تغییرات در حالات روان‌شناختی کودکان انجام شده است از جمله سلیمی و یوسفی (۱۳۹۶) نشان دادند بهبود سبک‌فرزندپروری مادران به روش پذیرش و تعهد بر بهبود اختلالات روانی کودکان مؤثر است؛ دانشمند و یوسفی (۱۳۹۷) بهبود سبک فرزند پروری مادران به روش اصلاح طرح‌واره‌های ناسازگار بر بهبود اختلالات روانی کودکان مؤثر است؛ جعفری، یوسفی و منشی (۲۰۱۴) نشان دادند که بخشش مادر با کاهش افسردگی در فرزندان ارتباط معنادار دارد؛ پدramنیا و یوسفی (۱۳۹۷) نشان دادند که خردمندی مادر با کاهش اختلالات رفتاری کودکان رابطه معنادار دارد. اسپراجیت، دکر، زیرمن و

1. division of Household chores

2. Frisco & Williams

ساب(۲۰۱۸) نشان دادند سبک والدینی با عملکرد اجرایی کودکان رابطه دارد و والدین حمایتگر فرزندانیشان از عملکرد اجرایی بالاتر برخوردار بوده‌اند.

بررسی پژوهش‌ها نشان داد که تاکنون پژوهشی در خصوص ارتباط متغیرهای سیستمی و مشارکت پدر در کار منزل با وضعیت عملکرد اجرایی کودکان چاپ نشده است. از طرف دیگر به نظر می‌رسد با توجه به نقش خانواده در زندگی کودکان دبستانی، جو خانواده و متغیرهای مرتبط با آن می‌تواند با تغییرات عملکرد اجرایی در بین کودکان مرتبط باشد بنابراین انجام پژوهش در این زمینه نه تنها به پرشدن شکاف پژوهشی در این زمینه کمک می‌نماید بلکه در تدوین چارچوب‌های پیشگیری و درمانی عملکرد اجرایی دختران دبستانی نیز می‌تواند مؤثر باشد. از این رو سؤال اساسی پژوهش حاضر این بود:

آیا بین ویژگی‌های سیستمی (مثلث‌سازی، شیوه‌های کنترل) و مشارکت مردان در کار خانه با عملکرد اجرایی دانش‌آموزان دختر دبستانی شهر اصفهان رابطه چندگانه وجود دارد یا خیر؟

روش پژوهش

با توجه به اینکه موضوع این پژوهش بررسی ویژگی‌های خانوادگی تجربه شده توسط مادر (مثلث‌سازی و مرزها) و همچنین درک مشارکت و انصاف از سوی مادران با عملکرد اجرایی دانش‌آموزان دختر دبستانی شهر فلاورجان بود؛ بنابراین روش پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه‌ی مادران دانش‌آموزان دختر دبستانی شهر فلاورجان بودند. روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای بود به این ترتیب که از بین لیست اسامی مدارس دخترانه دو مدرسه به تصادف انتخاب شد و در ادامه از مدارس برگزیده از هر مدرسه به تصادف چهار کلاس انتخاب شد و مادران دانش‌آموزان هر کلاس پرسشنامه‌های پژوهش را در مورد تجربه خودشان و فرزندانیشان تکمیل کردند. با توجه به اینکه این پژوهش همبستگی بود طبق نظر تاباچنیک و فیدل (۲۰۱۲) به ازای هر متغیر و خرده متغیر ۱۵ الی ۲۰ نفر انتخاب شدند. با توجه به اینکه در کل ۶ متغیر و خرده متغیر وارد پژوهش شد در کل ۱۲۰ مادر از دانش‌آموزان دختر انتخاب شدند. بیشترین فراوانی سن مادر دانش‌آموزان دختر دبستانی بین ۳۰-۴۰ سال و کمترین فراوانی بین ۵۰-۶۰ سال بود. بیشترین فراوانی تحصیلات مادر دانش‌آموزان دختر دبستانی مربوط به مقطع دیپلم و کمترین فراوانی تحصیلات مربوط به مقطع فوق لیسانس است. بیشترین فراوانی شغل مادر دانش‌آموزان دختر دبستانی مربوط به مشاغل خانه‌دار و کمترین فراوانی مشاغل مربوط به

مشاغل آزاد بود. بیشترین فراوانی تعداد فرزند مادر دانش‌آموزان دختر دبستانی مربوط به دارای ۲ فرزند و کمترین فراوانی تعداد فرزند مربوط به ۵ فرزند و ۶ فرزند بود. واحد پژوهشی شامل دبستان‌های دخترانه‌ی شهر فلاورجان بود و کلیه دانش‌آموزان که متعلق به این دبستان‌ها بودند، می‌توانستند وارد این پژوهش شوند. از تعداد دو مدرسه انتخاب‌شده به‌صورت تصادفی، با معلمان هر کلاس در مورد پژوهش و هدف از آن صحبت شد که قرار شد قبل از شروع کلاس پرسشنامه‌ها به همراه نامه‌ای برای مادرانشان بین دانش‌آموزان کلاس‌های منتخب توزیع شود.

روش اجرا

برای انجام پژوهش و انجام اقدامات اولیه و دریافت مجوزهای لازم از معاونت پژوهشی دانشگاه و آموزش و پرورش فلاورجان فراهم آوردن مقدمات طرح، به مدارس منتخب مراجعه شد. سپس به پخش پرسشنامه در بین مادران نمونه‌های انتخابی از مدارس اقدام شد و از آن‌ها خواسته شد تا کلیه پرسشنامه‌ها را در خصوص خانواده و فرزندشان تکمیل نمایند. پس از جمع‌آوری داده‌ها از نمونه‌های مورد نظر، داده‌ها وارد نرم‌افزار SPSS شده و تحلیل شدند.

ابزارهای پژوهش

برای جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش از پرسشنامه‌های زیر استفاده شد که عبارت‌اند از:

پرسشنامه عملکرد اجرایی

پرسشنامه‌ی عملکرد اجرایی (جیوا، ایسگویت، گای و کنورثی، ۲۰۰۰) به‌منظور بررسی جنبه‌های مختلف عملکردهای بخش پیشین قطعه پیشانی مغز و ناحیه پشتی لوب پیشانی تدوینگر دیده است. این پرسشنامه در دو فرم والد و معلم طراحی شده و برای کودکان و نوجوانان دختر و پسر سنین ۵ تا ۱۸ سال کاربرد دارد. پرسشنامه‌ی عملکردهای اجرایی دارای ۸۶ گویه است که به‌صورت هرگز، گاهی اوقات و بیشتر اوقات پاسخ داده می‌شود. هرگز نمره (۱)، گاهی اوقات نمره (۲) و بیشتر اوقات (۳) می‌باشد. هشت عملکرد اجرایی عمده که در این آزمون سنجیده می‌شود عبارت‌اند از: بازداری، جهت‌دهی، کنترل هیجانی، آغاز به کار/ تکلیف، حافظه فعال، سازمان‌دهی، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و نظارت. ضریب پایایی آزمون- باز آزمون خرده مقیاس‌های رتبه‌بندی رفتاری عملکردهای اجرایی در

عملکرد بازداری ($\alpha=0/9$)، جهت‌دهی ($\alpha=0/81$)، کنترل هیجانی ($\alpha=0/91$)، آغاز به کار ($\alpha=0/80$)، حافظه فعال ($\alpha=0/71$)، برنامه‌ریزی ($\alpha=0/81$)، سازمان‌دهی و اجرا ($\alpha=0/79$)، نظارت ($\alpha=0/78$)، شاخص تنظیم رفتار ($\alpha=0/9$)، شاخص فراشناخت ($\alpha=0/87$) و نمره کلی آن ۰/۸۹ به دست آمد. در این پژوهش مجدداً همسانی درونی برای هر خرده مقیاس محاسبه شد که به این شرح می‌باشد. عملکرد اجرایی بازداری (۰/۵۷۸)، عملکرد اجرایی جهت‌دهی (۰/۷۹۰)، عملکرد اجرایی کنترل هیجانی (۰/۸۰۸)، عملکرد اجرایی آغاز به کار- تکلیف (۰/۷۳۹)، عملکرد اجرایی حافظه فعال (۰/۸۰۳)، عملکرد اجرایی برنامه‌ریزی (۰/۷۶۱)، عملکرد اجرایی سازمان‌دهی اجرا (۰/۷۵۹)، عملکرد اجرایی نظارت (۰/۶۴۸)، عملکرد اجرایی کل (۰/۹۴۰). در جدول زیر خرده‌مقیاس‌های عملکرد اجرایی به همراه سؤالات آن آمده است.

مقیاس مثلث‌سازی بهرامی و یوسفی (۱۳۹۶)

این پرسشنامه شامل ۱۸ سؤال می‌باشد که بر روی یک طیف ۵ درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم نمره‌گذاری می‌شود و میل به مقابله با مشکلات ارتباطی از طریق دخیل کردن شخص ثالث را ارزیابی می‌کند. این مقیاس شامل سه خرده مقیاس است که حاصل تحلیل عوامل اکتشافی می‌باشد. بهرامی و یوسفی (۱۳۹۶) برای روایی سازه‌ی آن تحلیل عامل تأییدی، تحلیل عامل اکتشافی، تحلیل و همبستگی هر سؤال با نمره کل را گزارش کرده‌اند، همچنین روایی همگرایی آن را تأیید کرده‌اند. جدول (۳-۲) شماره مربوط به هریک از گویه‌های هر یک از سه خرده‌مقیاس و همسانی درونی هر خرده‌مقیاس را نشان می‌دهد.

مقیاس مشارکت مردان با زنان در کار خانه

به منظور اندازه‌گیری مشارکت مردان در کار خانه از مقیاس محقق ساخته مشارکت مردان با زنان در کار خانه استفاده شد. این مقیاس ۱۲ گویه دارد که میزان مشارکت مردان را از دیدگاه زنان مشخص می‌نماید و حاوی دو بعد همکاری و درک انصاف است و بر روی یک طیف لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً موافقم (۵) تا کاملاً مخالفم (۱) نمره‌گذاری می‌شود. روایی محتوایی و صوری این مقیاس توسط متخصص خانواده‌درمانگر محاسبه شده است. همسانی درونی این مقیاس از طریق آلفای کرونباخ در فرایند پژوهش محاسبه و مقدار

($\alpha=0/94$) به دست همسانی درونی این مقیاس از طریق آلفای کرونباخ در فرایند پژوهش محاسبه و مقدار ($\alpha=0/91$) به دست آمد.

نتایج

یافته‌ها

به منظور بررسی فرضیه پژوهش ((بین مثلث‌سازی، مرزها، مشارکت مردان در خانه با عملکرد اجرایی ضعیف دانش‌آموزان دختر دبستانی ارتباط معنادار وجود دارد)) ابتدا همبستگی متغیرهای جمعیت شناختی با عملکرد اجرایی ضعیف به کمک ضریب همبستگی اسپیرمن بررسی شد. نتیجه این تحلیل در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱ ضرایب همبستگی بین متغیرهای جمعیت‌شناختی با عملکرد اجرایی ضعیف

متغیرهای پیش‌بین	سن	تحصیلات	تعداد فرزند	شغل	عملکرد اجرایی ضعیف
سن مادر	۱	"۰/۱۹۸"	"۰/۲۳۲"	"۰/۱۹۰"	-۰/۰۰۹
تحصیلات مادر		۱	-۰/۰۲۸	"۰/۴۵۵"	-۰/۰۱۳
تعداد فرزند مادر			۱	"۰/۰۶۵"	۰/۰۲۳
شغل مادر				۱	-۰/۰۳۴
عملکرد اجرایی ضعیف					۱

"=P<۰/۰۱

'=P<۰/۰۵

یافته‌های جدول (۱) نشان می‌دهد که بین هیچ‌یک از متغیرهای جمعیت‌شناختی با عملکرد اجرایی ضعیف در دانش‌آموزان دختر دبستانی رابطه معناداری وجود دارد. به‌منظور بررسی فرضیه پژوهش ابتدا شاخص‌های توصیفی و سپس همبستگی پیرسون و رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد. شاخص‌های توصیفی مانند میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش به شکل کلی در بین آزمودنی‌ها در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد
عملکرد اجرایی ضعیف	۱۴۳/۳۲	۳۳/۱۴
مثلث‌سازی	۴۰/۲۶	۱۱/۳۰
مرز خشک	۳۱/۴۹	۵/۶۷
مرز بسته	۱۴/۷۲	۴/۰۴
مرز منعطف	۱۷/۸۰	۳/۱۱
مشارکت مردان در خانه	۵۵/۴۳	۱۹/۱۳

جدول (۳) نتایج همبستگی پیرسون را نشان می‌دهد.

جدول (۳) ضرایب همبستگی بین مثلث‌سازی، مرزها، مشارکت مردان در خانه با عملکرد اجرایی ضعیف دانش‌آموزان دختر دبستانی

متغیرهای پیش‌بین	عملکرد اجرایی ضعیف	معناداری
مثلث‌سازی	۰/۱۹۷	۰/۰۰۵
مرز خشک	-۰/۰۲۲	۰/۳۸۹
مرز بسته	۰/۰۱۱	۰/۴۴۲
مرز منعطف	۰/۱۰۵	۰/۰۸۶
درک انصاف	۰/۰۱۲	۰/۰۶۵
تقسیم کار	۰/۰۱۰	۰/۰۷۵
مشارکت مردان در خانه	-۰/۱۶۵	۰/۰۱۶

یافته‌های جدول (۳) نشان می‌دهد که مثلث‌سازی با عملکرد اجرایی ضعیف دانش‌آموزان دختر دبستانی رابطه مثبت و معناداری دارد و مشارکت مردان در خانه با عملکرد اجرایی ضعیف دانش‌آموزان دختر دبستانی رابطه منفی و معناداری دارد. به این ترتیب این فرضیه برای ارتباط بین مثلث‌سازی و مشارکت مردان در خانه با عملکرد اجرایی ضعیف دانش‌آموزان دختر دبستانی تأیید می‌گردد.

به منظور بررسی مهم‌ترین عامل از بین عوامل مذکور در پیش‌بینی عملکرد اجرایی ضعیف دانش‌آموزان دختر دبستانی از تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد. جدول (۴) نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام برای عملکرد اجرایی ضعیف دانش‌آموزان دختر دبستانی را بر اساس متغیرهای پیش‌بین نشان می‌دهد.

جدول ۴ تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام جهت پیش‌بینی عملکرد اجرایی ضعیف دانش‌آموزان دختر دبستانی بر مبنای مثلث‌سازی و مشارکت مردان در خانه

گام	متغیرهای وارد شده به معادله	ضریب رگرسیون	مجذور ضریب رگرسیون	سهم خالص	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	معناداری
۱	مثلث‌سازی	۰/۱۹۷	۰/۰۳۹	۰/۰۳۹	۶/۷۵۱	۱	۱۶۷	۰/۰۱۰
۲	مشارکت مردان در خانه	۰/۲۴۷	۰/۰۶۱	۰/۰۲۲	۳/۹۵۲	۱	۱۶۶	۰/۰۴۰

همان‌طور که در جدول (۴) ملاحظه می‌شود، از بین متغیرهای مورد بررسی، در گام اول مثلث‌سازی با ضریب رگرسیون ۰/۱۹۷ وارد معادله رگرسیون شده و قادر به پیش‌بینی ۳/۹٪ از واریانس عملکرد اجرایی ضعیف دانش‌آموزان دختر دبستانی است ($p < 0/05$). در گام دوم مشارکت مردان در خانه با ضریب رگرسیون ۰/۲۴۷ وارد معادله رگرسیون شده و این متغیر در کنار مثلث‌سازی قادر به پیش‌بینی ۶/۱٪ از واریانس عملکرد اجرایی ضعیف دانش‌آموزان دختر دبستانی است و به تنهایی می‌تواند ۲/۲٪ از واریانس عملکرد اجرایی ضعیف دانش‌آموزان دختر دبستانی را توضیح بدهد ($p < 0/05$).

جدول ۵ تحلیل واریانس یک راه جهت ارزیابی معناداری سهم مثلث‌سازی و مشارکت مردان در خانه در پیش‌بینی عملکرد اجرایی ضعیف دانش‌آموزان دختر دبستانی

متغیر	تعداد	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری
مثلث‌سازی	رگرسیون	۷۱۷۰/۴۱۱	۱	۷۱۷۰/۴۱۱	۶/۷۵۱	۰/۰۱۰
	باقیمانده	۱۷۷۳۸/۶۹۰	۱۶۷	۱۰۶۲/۱۹۶		
	کل	۱۸۴۵۵۷/۱۰۱	۱۶۸			
مشارکت مردان در خانه	رگرسیون	۱۱۲۹۵/۱۵۵	۲	۵۶۴۷/۵۷۸	۵/۴۱۱	۰/۰۰۵
	باقیمانده	۱۷۳۲۶/۹۴۶	۱۶۶	۱۰۴۳/۷۴۷		
	کل	۱۸۴۵۵۷/۱۰۱	۱۶۸			

همان‌طور که ملاحظه می‌شود سهم‌های پیش‌بینی‌شده در هر مرحله از لحاظ آماری معنادار بوده و قابل‌اعتماد می‌باشد ($p < 0/000$).

جدول (۶) ضرایب معادله رگرسیون پیش‌بینی عملکرد اجرایی ضعیف دانش‌آموزان دختر دبستانی بر اساس مثلث‌سازی و مشارکت مردان در خانه را نشان می‌دهد.

جدول ۶ ضرایب خام و استاندارد معادله رگرسیون جهت پیش‌بینی عملکرد اجرایی ضعیف دانش‌آموزان دختر دبستانی بر اساس مثلث‌سازی و مشارکت مردان در خانه

متغیر	ضریب خام (B)	خطای استاندارد	ضریب بتا	T	معناداری
مقدار ثابت	۱۳۵/۸۰۱	۱۲/۲۰۹	-	۱۱/۱۲۳	۰/۰۰۰
مثلث‌سازی	۰/۵۴۲	۰/۲۲۱	۰/۱۸۵	۲/۴۵۲	۰/۰۱۵
مشارکت مردان در خانه	-۰/۲۶۰	۰/۱۳۱	-۰/۱۵۰	-۱/۹۸۸	۰/۰۴۰

همان‌طور که در جدول (۶) ملاحظه می‌شود، ضرایب خام و استاندارد پیش‌بینی معادله عملکرد اجرایی ضعیف دانش‌آموزان دختر دبستانی بر مبنای مثلث‌سازی و مشارکت مردان در خانه ارائه شده‌اند و همگی از لحاظ آماری معنادارند. با توجه به جدول بالا معادله پیش‌بینی عملکرد اجرایی ضعیف دانش‌آموزان دختر دبستانی بر اساس مثلث‌سازی و مشارکت مردان در خانه به شرح زیر است:

$$\text{عملکرد اجرایی ضعیف دانش‌آموزان دختر دبستانی} = ۱۳۵/۸۰۱ + ۰/۵۴۲ (\text{مثلث‌سازی}) + ۰/۱۸۵ (\text{مشارکت مردان در خانه}) - ۰/۲۶۰ (\text{عملکرد}$$

مشارکت مردان در خانه)

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی روابط چندگانه بین متغیرهای سیستمی خانواده و مشارکت پدران در کار خانه با عملکرد اجرایی دختران دبستانی انجام شد.

نتایج تحلیل همبستگی پیرسون و رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که بین مثلث‌سازی با عملکرد اجرایی ضعیف دانش‌آموزان دختر دبستانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد همچنین مثلث‌سازی قدرت پیش‌بینی عملکرد اجرایی ضعیف دانش‌آموزان دختر دبستانی را داشت. این نتیجه به این معناست که با افزایش مثلث‌سازی عملکرد اجرایی ضعیف دانش‌آموزان دختر دبستانی افزایش می‌یابد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که از بین مشارکت مردان در خانه و ابعاد آن (درک انصاف و تقسیم کار) با عملکرد اجرایی ضعیف دانش‌آموزان دختر دبستانی تقسیم‌کار و مشارکت مردان در خانه با عملکرد اجرایی ضعیف دانش‌آموزان دختر دبستانی شهر اصفهان رابطه منفی و معناداری دارد تقسیم‌کار قادر به پیش‌بینی عملکرد اجرایی ضعیف دانش‌آموزان دختر دبستانی شهر اصفهان می‌باشد. این نتیجه به این معناست که با افزایش تقسیم‌کار عملکرد اجرایی ضعیف دانش‌آموزان دختر دبستانی شهر اصفهان کاهش می‌یابد. این نتایج با سایر یافته‌ها که حاکی از ارتباط علی و

غیرعلی حالات و ادراکات مادر با حالات کودک است همسو است از جمله: سلیمی و یوسفی (۱۳۹۶) نشان دادند بهبود سبک‌فرزندپروری مادران به روش پذیرش و تعهد بر بهبود اختلالات روانی کودکان مؤثر است؛ دانشمند و یوسفی (۱۳۹۷) بهبود سبک فرزندپروری مادران به روش اصلاح طرح‌واره‌های ناسازگار بر بهبود اختلالات روانی کودکان مؤثر است؛ جعفری، یوسفی و منشی (۲۰۱۴) نشان دادند که بخشش مادر با کاهش افسردگی در فرزندان ارتباط معنادار دارد؛ پدram‌نیا و یوسفی (۱۳۹۷) نشان دادند که خردمندی مادر با کاهش اختلالات رفتاری کودکان رابطه معنادار دارد. اسپراجیت، دکر، زیرمن و ساب (۲۰۱۸) نشان دادند سبک والدینی با عملکرد اجرایی کودکان رابطه دارد و والدین حمایتگر فرزندان نشان از عملکرد اجرایی بالاتر برخوردار بوده‌اند.

اما بررسی‌ها نشان داد که مطالعه‌ای تاکنون در خصوص بررسی روابط متغیرهای خانوادگی با عملکرد اجرایی انجام نشده است که بتوان همسویی و یا ناهم‌سویی نتایج آن‌ها را با نتایج پژوهش حاضر بررسی کرد.

در تبیین این نتایج می‌توان گفت مثلث‌سازی به معنای آن است که در زمان تنش بین دو نفر، شخص ثالثی (داوطلبانه یا در پی دعوت او) وارد ماجرا می‌شود تا تعاملی سه نفری تشکیل گردد و مثلث‌سازی در مواردی انجام می‌شود که روابط فرد با دیگران توأم با تنش باشد. در واقع مثلث‌سازی شیوه ناسالمی در برخورد با اضطراب است که در آن، تنش بین دو شخص به شخص یا شیء دیگر فرافکن می‌شود این بدان معناست که زن و شوهر به‌خودی‌خود قادر به حل مسائل بین‌فردی خود نیستند و اختلافات و تعارضات درون خانواده به عرصه خانواده گسترده تسری پیدا می‌کند این موضوع می‌تواند نه تنها موجب حل مشکل نشود، بلکه آتش اختلافات خانگی دامن‌گیر خانواده‌های گسترده شود و جو خانواده را تبدیل به جوی ناآرام، پراسترس و آشفته تبدیل نماید؛ بنابراین انتظار می‌رود والدین انرژی مناسبی را صرف فرزندان خویش نکنند و طبیعتاً فرزندان دچار اضطراب و افسردگی شوند و در نتیجه عملکردهای اجرایی که به امور شناختی سطح بالای فرد مانند اراده، افکار هدفمند، برنامه‌ریزی، خودآگاهی و خودیابی رفتار نیاز دارد مخدوش گردد و تبعاً فرآیند آگاهی از مسئله موجود و ارزیابی آن، تحلیل شرایط مسئله و فرمول‌بندی اهداف خاص، ایجاد مجموعه‌ای از طرح‌ها به‌منظور مشخص کردن اعمال موردنیاز برای حل مسئله و در نهایت حفظ طرح و بازیابی آن برای مواجهه با همان مسئله یا مسئله‌ای مشابه در آینده ناکارآمد و دچار آشفتگی گردد و به‌این‌ترتیب با افزایش مثلث‌سازی در خانواده عملکرد اجرایی کودک ضعیف گردد.

در تبیین ارتباط منفی و معنادار بین مشارکت در خانه پدران با عملکرد اجرایی ضعیف در کودکان باید گفت مشارکت در کار خانه به معنای آن است که ورای مقایسه حقوق و وظایف، زمانی که مردان در کار خانه مشارکت می‌کنند نوعی بده بستان متقارن به وجود آورند که حقوق و مسئولیت‌های هر کدام را در برابر دیگری متعادل ساخته و از این طریق بنای ارتباطی آنان حفظ شده و ادامه یابد. در صورتی که یکی از زوجین خود را درگیر در یک رابطه غیرمنصفانه بداند، این مسئله ناراحتی و فشار روانی زیادی را به فرد تحمیل می‌کند و بر همه جنبه‌های زندگی زناشویی از جمله روابط زناشویی وی تأثیرات منفی خواهد گذاشت. عدم مشارکت مردان در کار خانه می‌تواند زنان را خسته کرده و سبب افزایش تنش و تعارض بین زوجین و کاهش صمیمیت زناشویی بین آنان شود در عین حال مشارکت مردان در کار خانه می‌تواند باعث حفظ صمیمیت، حفظ سلامتی و شادابی زن شده و زن و مرد در کنار یکدیگر بتوانند زمان بیشتری را صرف فرزندان و تربیت آنان کنند. طبیعتاً عملکردهای اجرایی که به امور شناختی سطح بالای فرد مانند اراده، افکار هدفمند، برنامه‌ریزی، خودآگاهی و خودیابی رفتار نیاز دارد مخدوش نگردد. در واقع این نتایج نشان می‌دهد که همکاری مردان در کار خانه با همسران‌شان امنیتی را در خانه ایجاد می‌کند که موجب می‌شود عملکرد اجرایی دخترانشان افزایش یابد.

در خصوص عدم ارتباط مرزها با عملکرد اجرایی باید گفت شاید متغیرهای میانجی بین این متغیرها و عملکرد اجرایی نقش میانجی را ایفا می‌کند که در این پژوهش لحاظ نشده است. همچنین ممکن است مرزها نقش در سایر متغیرهای روان‌شناختی کودک داشته باشند، ولی نتایج این پژوهش نشان داد که با عملکرد اجرایی ارتباط ندارند.

با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت: تغییرات در مثلث‌سازی با تغییرات در عملکرد اجرایی دختران دبستانی همراه است. تغییرات در مشارکت مردان با تغییرات در عملکرد اجرایی دختران دبستانی همراه است. تغییرات در مرزهای خانوادگی با تغییرات در عملکرد اجرایی دختران دبستانی ارتباطی ندارد.

در واقع این پژوهش نشان می‌دهد متغیرهای سیستمی خانواده و نقش پدر در امور خانه نقش مهمی در کارکردهای قسمت پیشانی مغز دارد.

این پژوهش همچون سایر پژوهش‌ها محدودیت‌هایی دارد که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود: این پژوهش از نوع همبستگی بود و نمی‌توان از آن استنباط علی کرد. تعمیم نتایج محدود به دختران شهر فلاورجان بود و در تعمیم آن به سایر شهرها باید جانب احتیاط را

رعایت کرد. روش گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌های خودگزارشی بود؛ بنابراین یافته‌ها محدود به محدودیت‌های پرسشنامه‌های خودگزارش است.

با توجه به نتایج به علاقه‌مندان این حوزه پیشنهاد می‌شود در مدارس آموزش‌های خانوادگی بر مبنای نقش مثلث‌سازی بر عملکرد اجرایی فرزندان‌شان تنظیم شود. در مدارس آموزش‌های مادران بر مبنای نقش مشارکت پدران بر نحوه‌ی عملکرد اجرایی فرزندان‌شان تنظیم شود.

قدردانی

بدین‌وسیله از مسئولین آموزش و پرورش شهر فلاورجان و مادرانی که ما را در انجام این پژوهش یاری کردند سپاسگزاری می‌کنیم.
لازم به ذکر است نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافی ندارند.

منابع

- بهرامی، ا، یوسفی، ز. (۱۳۹۶). *بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس‌های ساختاری خانواده*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان.
- بهزادیم، (۱۳۸۸). *بررسی نقش واسطه مثلث‌سازی در رابطه دشمنی آشکار والدین و مشکلات رفتاری در کودکان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
- حسینی بیرجندی، س. م. (۱۳۹۳). *نظریه‌ها و فنون خانواده‌درمانی اثر سیدمهدی حسینی بیرجندی*. تهران: انتشارات رشد.
- سلیمی سودرجانی م و یوسفی ز. (۱۳۹۶). *تأثیر آموزش سبک‌های والدگری مبتنی بر پذیرش و تعهد به مادران بر اضطراب جدایی و نافرمانی کودکان*. فصلنامه سلامت روان کودک. ۴ (۲): ۱۰۴-۱۱۵
- قبادی ک، دهقانیم، منصور ل، عباسیم. (۱۳۹۰). *تقسیم‌کار خانگی میان زوجین، عدالت ادراک شده از آن و رضایت زناشویی*. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۷ (۲۶): ۲۰۷-۲۲۲
- Ahmadimehr, Z., & Yousefi, Z. (2014). *Predicting Adolescence Depression: Resiliency and Family Factors*. SOP Transactions on Psychology, 1(2), 1-10.
- Best, J. R., Miller, PH., & Naglieri, J. A. (2011). *Relations between executive function and academic achievement from ages 5 to 17 in a large, representative national sample*. Learning and individual differences, 21, 327-336.
- Boszormenyi-Nagy, I. K. (2013). *Between give and take: A clinical guide to contextual therapy*. Routledge.
- Daimond, A. (2000). *Preschool children, performance in cognitive functions*. Journal of Developmental Neuropsychology, 28, 689-729.
- Feeney J, Peterson C, Noller PA. (2005). *Equity and marital satisfaction over the life cycle*. Personal Relationship, 11, 83-99.
- Frisco, M. L, & Williams, K. (2003). *Perceived housework equity, marital happiness, and divorce in dual-earner households*. Journal of Family Issues, 24, 51-72.
- Gioia, A. G, Isguith, P. K, Guy, S. C, & Kenvorthy, L. (2000). *Behavior rating inventory of executive functions. Professional manual*. Par psychological assessment resources, INC.
- Kerr, M.E, & Bowen, M. (1988). *Family evaluation: An approach based on Bowen theory*. New York: W. W. Norton.
- Jafari, F., Yousefi, Z., & Manshaee, G. R. (2014). *Mothers characters and adolescence depression*. Open Journal of Depression, 3(02), 45.

- Minuchin, S. (1974). *Families and Therapy*. Cambridge, MA: Harvard University press.
- Pan, J., Sawyer, K., McDonough, E., Slotpole, L., & Gansler, D. (2018). *Cognitive, Neuroanatomical, and Genetic Predictors of Executive Function in Healthy Children and Adolescents*. *Developmental neuropsychology*, 43(7), 535-550.
- Rahimi, A., Fatehizade, M-S & Yousefi, Z. (2014). *The study of Interactive relationship Pathology between Couples, after Husband's Infidelity, among the traumatic Women In Isfahan, In 2012-2013*. *Academic Research Journal of Psychology and Counselling*, 1(1), 1-10.
- Skibbe, L. E., Montroy, J. J., Bowles, R. P., & Morrison, F. J. (2019). *Self-regulation and the development of literacy and language achievement from preschool through second grade*. *Early childhood research quarterly*, 46, 240-251.
- Spruijt, A.M., Dekker, M. C., Ziermans, T. B., & Swaab, H. (2018). *Attentional control and executive functioning in school-aged children: Linking self-regulation and parenting strategies*. *Journal of Experimental Child Psychology*, 166, 340-359.
- Tabachnick, B.G. and Fidell, L.S. (2012). *Using Multivariate Statistics*. 6th Edition, Person Education, Boston.
- Wu, M., Liang, X, Lu., S, & Wang, Z. (2017). *Infant motor and cognitive abilities and subsequent executive function*. *Infant Behavior and Development*. 49 (12): 204-213.
- Yamamoto, N., & Imai-Matsumura, K. (2019). *Gender differences in executive function and behavioural self-regulation in 5 years old kindergarteners from East Japan*. *Early Child Development and Care*, 189(1), 56-67.

